



آموزش عبادات به فرزندان در سیره و کلام معصومان علیهم‌السلام

رحیمه معصومی موحد^۱

چکیده:

آموزش عبادت به فرزندان یکی از دغدغه‌های اساسی والدین است. از این رو با الهام از سیره و سنت معصومین علیهم‌السلام می‌توان عبادات را در دو بخش واجبات و مستحبات به فرزندان آموزش داد. آموزش عبادات واجب همچون نماز و روزه برای کودک از ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است و توجه به سن کودک، بهبود شیوه آموزش، ایجاد شرایط لازم و اهتمام برای یادگیری وی می‌تواند تا حدودی از دغدغه‌های والدین بکاهد. آموزش عبادات مستحبی مانند تلاوت قرآن کریم، ذکر و دعا از مولفه‌های اساسی در تربیت معنوی کودکان به شمار می‌رود. توانایی ایجاد انس با قرآن و ادعیه، زمینه شکوفایی استعدادهای معنوی فرزندان را فراهم و آنان را برای بهره‌مندی بیشتر از فیوضات عبادات معنوی مهیا می‌کند.

واژگان کلیدی:

آموزش، تربیت، عبادت، معنویت، سیره و سنت معصومین علیهم‌السلام

مقدمه

آگاهی‌های دینی درست و متناسب با سن کودکان و نوجوانان، نقش مهمی در سرنوشت و آینده‌ی آنان ایفا می‌کند. اگر تفکر، اندیشه و رفتار مبتنی بر آموزه‌های

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم (جامعه الزهرا علیها‌السلام)



دینی باشد، زندگی جهت الهی می‌یابد. این واقعیت، به روشنی، در سخنان بزرگان دین، که روشنگر و راهنمای مسیر بشری هستند، دیده می‌شود؛ روزی، پیامبر ﷺ به بعضی از کودکان فرمودند: «وای به حال کودکان آخرالزمان از دست پدرانشان!» عرض شد: «یا رسول الله ﷺ از دست پدران مشرک آنها؟» فرمودند: «نه، بلکه از پدران مسلمانشان که چیزی از فرایض مذهبی را به آنان نمی‌آموزند. اگر هم فرزندان بخواهند در صد یادگیری مسائل دینی باشند، آنان را از این امر بازمی‌دارند و تنها به این دل خوش‌اند که فرزندانشان بهره‌ی ناچیزی از دنیا به دست آورند. من از این قبیل پدران بیزارم و آنان نیز از من بیزارند»^۱. این سخن گهربار، اهمیت فراوان توجه به آموزش مسائل دینی به فرزندان را مشخص می‌سازد، زیرا بیش‌تر رفتارهای نابهنجار و نابسامانی‌های بزرگسالی، در آموزش درست یا نادرست یا نبود آموزش در دوره‌ی کودکی و نوجوانی ریشه دارد. آموزش، مقدمه‌ی تربیت فرزند است.

به طور کلی، معارف اسلام به سه بخش اعتقادات، اخلاقیات و احکام تقسیم می‌شود و عبادات، بخش گسترده‌ای از احکام را به خود اختصاص داده است. عبادات، رشددهنده و تقویت‌کننده‌ی ایمان و به عبارتی، مکمل ایمان و اعتقادات هستند و به همین دلیل، پایه و اساس دین و شرط لازم پابندی به دین به شمار می‌رود. عبادات، میوه‌ی درخت اعتقادات است و درخت میوه‌ای که به بار ننشیند، ارزش واقعی خود را نمی‌یابد. طبق روایت پیامبر ﷺ بدون عمل و عبادت، حتی اندکی از ایمان قبول نمی‌شود و اعمال صالح، راهنما و دلیل وجود ایمان هستند.^۲

هدف پژوهش حاضر، بررسی سیره‌ی معصومان علیهم‌السلام در آموزش عبادات به فرزندانشان و میزان اهتمام آنان در این راه می‌باشد. در واقع، به دست آوردن پاسخ این پرسش، مقدمه‌ای برای آگاهی از روش تربیت صحیح فرزند می‌باشد که ثمره‌ی آن پرورش فرزند صالح است و به فرموده‌ی حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، داشتن آن از سعادت‌مندی مرد^۳ و نیز گلی است که خداوند آن را در میان بندگان تقسیم کرده است.^۴ فرزندی که

۱. میرزا حسین، نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۴.

۲. محمد، داوودی، تربیت دینی، ص ۱۰۶.

۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۹۷.

۴. همان.



آموزه‌های دینی و عبادی را به درستی یاد بگیرد، تحت تربیت صحیح قرار گرفته باشد و خداوند را عبادت کند، میراث خداوند از بنده‌ی مؤمن به شمار می‌رود.^۱

مفهوم‌شناسی

۱. آموزش:

تعریف‌های متعدد و مختلفی برای آموزش ارائه شده است. برخی از این تعاریف عبارت‌اند از:

- آموزش مجموعه‌ای از رویدادهای مرتب می‌باشد که برای حمایت از فرایندهای درونی یادگیری طراحی شده است.^۲

- آموزش عبارت است از کارهایی که آموزگار به منظور یادگیری یادگیرنده طراحی می‌کند و بین آموزگار و یک یا چند یادگیرنده، به صورت کنش متقابل جریان می‌یابد.

- آموزش به هر فعالیت یا تدبیر از پیش طراحی‌شده‌ای گفته می‌شود که هدف آن، یادگیری یادگیرندگان است.^۳

در حقیقت، تعریف اول و دوم، تعاریف تدریس هستند و شامل آموزش‌های رسمی می‌شوند، در حالی که آموزش کلی‌تر از تدریس است و می‌تواند مخاطبان و مکان ویژه‌ای نداشته باشد. همچنین امکان دارد آموزش از راه دور یا با نوشتن کتاب و نامه باشد؛ بنابراین، آموزش را می‌توان چنین تعریف کرد: «هر کاری که یاددهنده، به منظور یادگیری یادگیرنده انجام دهد».

این تعریف از تعریف سوم نیز کلی‌تر است، زیرا کار از پیش طراحی‌نشده را نیز شامل نمی‌شود. چون کار که از پیش طراحی نشده باشد، اگر با هدف یادگیری یادگیرنده انجام شود، آموزش تلقی می‌شود و برای بیرون راندن آن از قلمرو آموزش دلیلی نیست.^۴

۱. همان، ص ۹۸.

۲. سیدعلی، حسینی‌زاده، نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش دینی، ص ۲۳.

۳. علی‌اکبر، سیف، روان‌شناسی پرورشی، ص ۳۰.

۴. حسینی‌زاده، همان.



۲. سیره

سیره (بر وزن فعله) از کلمه‌ی سیر گرفته شده است. سیر به معنای حرکت و راه رفتن است و چون وزن فعله در زبان عربی، دلالت بر نوع، کیفیت و هیئت عمل دارد، سیره به معنای حالت و چگونگی حرکت است.^۱

۳. سیره‌ی معصومان علیهم‌السلام

سیره‌ی معصومان علیهم‌السلام به سبک و روشی که معصومان، یعنی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیتشان علیهم‌السلام، در عمل و روش برای مقاصدشان به کار می‌بردند، گفته و شامل سیره‌ی قولی و فعلی می‌شود.

با توجه به تعریفی که از آموزش، عبادت و سیره ارائه شد، آموزش عبادات به فرزندان در سیره‌ی معصومان علیهم‌السلام به معنای «هر کاری است که در سبک و روش معصومان علیهم‌السلام به منظور آموزش عبادات به فرزندان‌شان وجود داشته است و یا این‌که به مسلمانان درباره‌ی فرزندان‌شان سفارش می‌کردند».

۴. عبادت

عبودیت، رساترین اظهار تذلل است؛^۲ بنابراین، عبادت اطاعتی است که با خضوع همراه باشد و در این جا، با صرف نظر از عبادت به معنای عام، که شامل هر کاری است که به قصد اطاعت از دستوره‌ای الهی انجام شود (مانند خوردن، خوابیدن، صله‌ی رحم و...)، فقط عباداتی مدنظر هستند که برای اظهار عبودیت انجام می‌شوند، مانند نماز، روزه و... موارد اخیر ارتباط قوی‌تری با ایمان دارند و تأثیر بیش‌تری بر تقرب انسان به خداوند می‌گذارند. عبادات دو نوع هستند که شامل واجب و مستحب می‌شود که این‌جا، هر دو منظور می‌باشد.

۱. سیدعلی، حسینی‌زاده، تربیت فرزند، ص ۹.

۲. حسین، راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۳۱۹.



آموزش عبادات به فرزندان

عبادت و بندگی، هدف آفرینش و مایه‌ی کمال انسان است. در این میان، واجبات، مهم‌ترین و اصلی‌ترین راه رسیدن به کمال هستند، به گونه‌ای که به دلیل وجود مصلحت فراوان، به هیچ روی ترک آن جایز نیست؛ بنابراین، آموزش آن به انسان در سنین کودکی ضروری می‌باشد. از میان واجبات، به عباداتی می‌پردازیم که معصومان علیهم‌السلام انجام آنها را به کودکان نیز سفارش کرده‌اند، مانند نماز، روزه و حج.

۱. نماز

یکی از وظایف اصلی پدر و مادر، اهمیت دادن به نماز فرزندانشان است. آنان موظف‌اند که فرزندشان را از دوران کودکی با نماز آشنا سازند و به او یاد دهند که نماز یاد خدا و کلید بهشت است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نماز را وجه دین معرفی می‌کند و سفارش می‌فرماید که مواظب باشید کسی از شما آبروی دینش را ضایع نکند،^۱ زیرا نخستین چیزی که بنده برای آن مورد بازخواست قرار می‌گیرد، نماز است؛ اگر مقبول باشد، اعمال دیگر هم قبول می‌شود و اگر مردود گردد اعمال دیگر هم رد می‌شود؛^۲ از این رو، نماز باید در سنین کودکی به فرزندان آموزش داده شود تا در هنگام تکلیف، کاملاً آماده‌ی اقامه‌ی آن باشند.

۱-۱. سن آموزش نماز

نماز عصاره‌ی اسلام و مظهر مسلمانی می‌باشد و چنانچه در قرآن آمده، امری عظیم است و از این رو نمی‌توان انتظار داشت که کودک در یک شب یا یک سال به آن عادت کند، بلکه باید به تدریج آن را بیاموزد. شاید بدین سبب است که معصومان علیهم‌السلام هشت سال را به این کار اختصاص داده و توصیه کرده‌اند که آموزش نماز از سجده آغاز و به تدریج کامل شود. در این فرایند، به موازات رشد کودک، آموزش نماز جدی‌تر و کامل‌تر می‌شود تا در حدود ده سالگی به اوج خود می‌رسد، زیرا این سن در روند شکل‌گیری

۱. میرزا حسین، نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ص ۲۶.

۲. همان، ص ۲۵.



شخصیت کودک بسیار مهم است. اگر در نه تا پانزده سالگی عادت به نماز ایجاد نشود، عادات دیگری جای آن را می‌گیرد و ایجاد عادت به نماز، به مراتب مشکل‌تر خواهد شد. مسائلی که درباره‌ی سن آموزش نماز وجود دارد، به تفصیل در روایت «عبداللہ بن فضالہ» از امام صادق علیہ السلام وارد شده است؛ امام علیہ السلام فرمودند: «آن گاه که پسر سه ساله شد، به او می‌گویند هفت بار بگو: لا اله الا الله. وقتی سه سال و هفت ماه و بیست‌روزه شد، به او می‌گویند هفت بار بگو محمد رسول الله صلی الله علیہ و آله و سلم. وقتی چهار ساله شد، به او می‌گویند: هفت بار بگو صلی الله علی محمد صلی الله علیہ و آله و سلم و آل محمد علیہم السلام. آن گاه که پنج سالش تمام شد، از او می‌پرسند دست چپ و راست تو کدام است؛ اگر درست پاسخ داد، او را رو به قبله می‌کنند و می‌گویند سجده کن و سپس رهایش می‌کنند تا شش ساله شود. زمانی که شش سالش تمام شد، رکوع و سجود را به او می‌آموزند و به نماز وامی‌دارند تا هفت ساله شود. وقتی هفت سالش تمام شد، به او می‌گویند که دست‌ها و صورتش را بشوید. آن گاه به او می‌گویند که نماز بخواند تا نه سالش تمام شود. در آن هنگام، به او وضو می‌آموزند و هرگاه وضو و نماز را آموخت، خداوند والدینش را مشمول رحمت خود می‌کند»^۱.

مراحل آموزش نماز

برای زمینه‌سازی، کلمه‌ی توحید (لا اله الا الله) و رسالت پیامبر (محمد رسول الله صلی الله علیہ و آله و سلم) تا چهار سالگی به کودک تلقین می‌شود و زمانی که کودک توان فهم نماز را یافت (پنج سالگی)، او را رو به قبله می‌کنیم و سجده کردن را به او می‌آموزیم تا با اصل عبادت، که سجده در پیشگاه خداست، آشنا شود.

در مرحله‌ی بعدی، دو کار انجام می‌شود: رکوع و سجود در شش سالگی به کودک آموزش داده و برای آن بازخواست هم می‌شود و سپس در هفت سالگی از او می‌خواهند برای نماز دست و صورتش را نیز بشوید که تنها صورتی از وضو است. این کار را تا نه سالگی تمرین می‌کند.



مرحله‌ی پایانی

در این مرحله، وضو و نماز به صورت کامل به او آموزش داده می‌شود و او را بر ترک آن مؤاخذه و در صورت لزوم تنبیه می‌کنند که این کار تا سن بلوغ ادامه می‌یابد، یعنی کودک چهار سال نماز صحیح را تمرین می‌کند. طبیعی است که در این مدت، عادت به نماز در او پایدار می‌شود. البته شش و هفت سالگی برای آغاز امر به نماز، خطاب به افراد دیگر است، در حالی که امام علیه السلام می‌فرماید: «ما فرزندانمان را از پنج سالگی به نماز امر می‌کنیم و شما از هفت سالگی امر نمایید»^۱.

در هر صورت، از نظر معصومان علیهم السلام، تسریع در آموزش نماز به کودک و نماز خواندن کودکان، بسیار مهم است، به گونه‌ای که وقتی امام رضا علیه السلام سن کودکی را که نمازش را ترک می‌کند، می‌پرسند و پاسخ می‌شوند که هشت سال دارد، ولی گاهی یکی دو روز نماز نمی‌خواند، تعجب می‌فرمایند و می‌گویند: «سبحان الله! نماز را ترک می‌کند!؟» سپس می‌فرمایند به هر صورتی که می‌تواند نمازش را بخواند، حتی اگر احساس ناراحتی می‌کند و آن را ترک ننماید.^۲

۲-۱. سهل‌گیری در اقامه‌ی نماز

مستحب است که نمازهای روزانه جدا از هم و با فاصله خوانده شود و ائمه علیهم السلام هم این امر را رعایت می‌کردند، ولی به کودکان سخت نمی‌گرفتند و توانایی و ظرفیت آنان را در نظر داشتند. در روایات متعددی به این موضوع اشاره شده است که امامان علیهم السلام به کودکان دستور می‌دادند که نماز ظهر و عصر را با هم و نماز مغرب و عشا را نیز با هم بخوانند، در حالی که بزرگسالان این نمازها را در چهار وقت جداگانه می‌خواندند. روایت شده است که امام زین‌العابدین علیه السلام کودکان را وامی‌داشتند نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشا را در یک وقت بخوانند؛ به ایشان اعتراض شد و فرمودند که این کار برای آنان سبک‌تر است و بهتر به انجام آن می‌شتابند و نماز را ضایع نمی‌کنند و نمی‌خواهند و به کار دیگری مشغول نمی‌شوند.^۳

۱. همان، ج ۴، ص ۱۹.

۲. همان

۳. میرزا حسین، نوری، همان، ج ۱۵، ص ۱۶۰.



۱-۳. همراهی در ادای نماز

امام صادق علیه السلام فرمودند: «روزی، پیامبر صلی الله علیه و آله برای آغاز نماز تکبیر گفتند. امام حسین علیه السلام نیز کوشیدند الله اکبر بگویند، ولی نتوانستند. پیامبر صلی الله علیه و آله دوباره تکبیر گفتند و امام حسین علیه السلام تلاش کردند که الله اکبر بگویند، ولی نتوانستند. پیامبر صلی الله علیه و آله همچنان تکبیر را تکرار می کردند تا امام حسین علیه السلام بتوانند بگویند، ولی تلفظ آن برای حضرت علیه السلام مشکل بود تا این که پیامبر صلی الله علیه و آله هفت بار الله اکبر را تکرار کردند. در این هنگام، زبان امام حسین علیه السلام نیز باز شد و تکبیر را به درستی ادا کردند»^۱. پس همراهی کودک در ادای نماز، یکی از کارهایی است که والدین می توانند برای آموزش نماز به کودک به کار گیرند.

۲. روزه

روزه یکی از عبادات مهم اسلامی است که خداوند آن را برای پالایش بدن، احساس گرسنگی و تشنگی، جلوگیری از شهوت ها و خواهش های نفس و پرورش اراده واجب ساخت.^۲ روزه، زکات بدن است^۳ و سپری در برابر آتش^۴. امام رضا علیه السلام فرمودند: «مردم را فرمان به روزه دادند تا درد گرسنگی و تشنگی را بچشند و از این رهگذر، بر فقر و تهیدستی آخرت راه برند [به فکر چاره افتند]»^۵.

دستور تمرین به عبادات برای کودکان، شامل روزه هم می شود و روایات فراوانی در این باب از ائمه ی معصوم علیهم السلام وارد شده است. هنگامی که کودکان به سن بلوغ می رسند، مکلف هستند یک ماه روزه بگیرند و در صورتی که از پیش، این عمل عبادی به کودکان آموزش داده و آمادگی کافی ایجاد نشود، نمی توان مطمئن بود که به راحتی بتوانند آن را انجام دهند.

۱. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۷۲۱.

۲. احمد، رحمانی همدانی، الامام علی بن ابی طالب، ص ۲۳.

۳. شیخ طوسی، امالی، ص ۸.

۴. همان.

۵. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳.



۱-۲ سن آموزش روزه‌داری

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که ما کودکانمان را در هفت سالگی به روزه گرفتن، به اندازه‌ای که بتوانند (تا نصف روز بیش‌تر یا کم‌تر) دستور می‌دهیم و هرگاه تشنگی و گرسنگی بر آنها غلبه کرد، افطار می‌کنند تا به روزه عادت نمایند و توان روزه‌داری بیابند؛ شما کودکانتان را در نه سالگی به روزه گرفتن، به هر اندازه که می‌توانند، امر کنید و هرگاه تشنگی بر آنان غلبه نمود، افطار کنند.^۱

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام پرسیده شد که کودک در چه سنی برای روزه‌داری بازخواست می‌شود؟ حضرت علیه السلام فرمودند: «از سیزده، چهارده سالگی و اگر پیش از آن خودش روزه گرفت، او را به حال خود بگذار؛ پسرم پیش از این سن روزه گرفت و من او را رها کردم». ^۲ با توجه به این دو روایت می‌توان گفت که آموزش روزه‌داری دو مرحله دارد:

• **مرحله‌ی نخست:** در این مرحله، که از نه سالگی آغاز و با سیزده، چهارده سالگی پایان می‌پذیرد، هدف، آشنایی کودک با روزه‌داری است. در این مرحله، کودک تا آن جایی که می‌تواند (نصف روز یا بیش‌تر)، روزه می‌گیرد و روزه‌ی او لزوماً کامل نیست.

• **مرحله‌ی دوم:** در این مرحله، که از سیزده، چهارده سالگی آغاز و به دوره‌ی بلوغ ختم می‌شود، هدف عادت کردن فرزند به روزه‌داری کامل و کسب توانایی در این زمینه است. در این مرحله، علاوه بر امر و توصیه، خواست جدی و الزامی هم از جانب مربی وجود دارد که در صورت رعایت نکردن، بازخواست می‌شود.^۳ آنچه در باب سن آغاز آموزش روزه و مراحل آن گفته شد، بی‌شک، ناظر به پسران و آموزش روزه به آنان است و درباره‌ی دختران هم وقتی نزدیک سن بلوغ می‌شوند، باید به تمرین روزه‌داری پردازند. این سن برای دختران هفت سالگی است، به اندازه‌ای که می‌توانند؛ نصف روز کم‌تر یا بیش‌تر باید به آنان امر کرد که به موازات رشد جسمانی‌شان

۱. همان، ص ۱۶۸.

۲. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۶۷.

۳. محمد، داوودی، تربیت دینی، صص ۱۵۳ و ۱۵۴.



روزه بگیرند و به تدریج، آنان را به روزه‌ی کامل امر و مؤاخذه نمود.^۱

۲-۲ شیوه‌ی آموزش روزه‌داری:

مراجعه به سیره‌ی معصومان علیهم‌السلام نشان می‌دهد که آنان از روش عادت‌دادن کودکان استفاده می‌کردند تا به تدریج به این کار عادت کنند و در زمان تکلیف به راحتی این عمل را انجام دهند، زیرا اگر روزه‌داری پیش از تکلیف تمرین شود، کودک آن را به کامل‌ترین شکل انجام خواهد داد و هیچ حرجی در آن نخواهد داشت.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «نحن نأمر صبیاننا بالصوم اذا كانوا ابناء سبع سنين ما اطاقوا من صيام اليوم إن كان الي نصف النهار او اكثر من ذلك او اقل، فإذا غلبهم الجوع او العطش أفطروا حتي يتعودوا الصوم و يطيقوه. فأمرنا صبیانکم بالصيام اذا كانوا ابناء تسع سنين ما اطاقوا من صيام اليوم فإذا غلبهم الجوع او العطش أفطروا؛ ما کودکانمان را در هفت سالگی به روزه گرفتن، به اندازه‌ای که توان دارند، تا نصف روز بیشتر یا کمتر دستور می‌دهیم؛ پس هر گاه تشنگی و گرسنگی بر آنها غلبه نمود، افطار می‌کنند تا این که به روزه عادت نمایند و توان روزه‌داری بیابند. شما کودکانتان را در نه سالگی به روزه گرفتن، به هر اندازه‌ای که می‌توانند، امر کنید؛ هرگاه تشنگی بر آنها غلبه نمود، افطار کنند.»^۲ امام علیه‌السلام سن آغاز آموزش را نه سالگی معین کردند که شش سال تا سن بلوغ فاصله دارد، زیرا ایجاد عادت، فرایندی طولانی است و نیز باید توانایی جسمانی کودک را در نظر گرفت و متناسب با آن از کودک انتظار داشت؛ از این رو، امام علیه‌السلام می‌فرماید هر قدر طاقت داشت، روزه بگیرد. مطلب دیگری که از این حدیث به دست می‌آید، این است که کودکان با تمرین، روزه‌داری توانا می‌شوند.

جمله‌ی «حتي يتعودوه و يطيقوه» به این معناست که توانایی روزه‌داری تنها وابسته به رشد جسمانی نیست، بلکه علاوه بر آن، به عادت نیز بستگی دارد. چه بسا بزرگسالانی که از نظر جسمانی قوی‌اند، ولی توانایی روزه‌داری ندارند، زیرا به آن عادت نکرده‌اند.^۳

۱. همان، ص ۱۵۶.

۲. حرعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۷، ص ۱۶۹.

۳. محمد، داوودی، همان، ص ۱۳۶.



همچنین کودک یاد می‌گیرد احترام ماه مبارک رمضان را حتی با روزهی ناقص نگه دارد و آزادانه، مانند ایام دیگر نخورد و نیشامد.

۳-۲ آماده کردن کودک

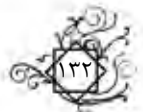
گام دیگر در آموزش روزه‌داری به فرزندان، ایجاد آمادگی و تشویق به روزهی ماه مبارک رمضان می‌باشد. مجلسی از امالی شیخ طوسی نقل می‌کند که «مسمعی» گوید: «هرگاه ماه رمضان فرا می‌رسید، صدای امام صادق علیه السلام را می‌شنیدم که فرزندان خود را به اهمیت دادن به این ماه عظیم سفارش می‌کردند و می‌فرمودند پس با نفس خویش بستیزید، زیرا در این ماه رزق و روزی شما تقسیم و لحظه‌ی مرگ هر کسی معین می‌شود. همچنین در این ماه مهمانان خدا را، که بر او وارد می‌شوند، می‌نویسند و در این ماه شبی است که عمل در آن برابر با هزار ماه می‌باشد.^۱

عبادات مستحب

یکی از وظایف اخلاقی پدران و مادران درباره‌ی فرزندان این است که آنان را با عبادات مستحب، یعنی عبادت‌هایی که در شریعت واجب نیست، ولی محبوب مولاست و بر آنها تأکید شده است، آشنا سازند. چون تعالیم پیشوایان بزرگ اسلام برخاسته از آشنایی کامل با ویژگی‌های انسان و نیز پرتوی از وحی آسمانی است، وادار کردن کودکان و نوجوانان به مستحبات، موجب دلزدگی و خستگی آنان نمی‌شود. شایان ذکر است که آشنا نمودن و علاقه‌مند کردن فرزندان به مستحبات باید به طور طبیعی و با به کارگیری اصول آموزشی و روش آموزشی خاص برای هر کودک باشد، نه با زور و اجبار.

از عبادات مستحب، به عباداتی مانند خواندن قرآن، ذکر، دعا و صدقه دادن، که در سیره‌ی معصومان علیهم السلام به انجام آن‌ها سفارش شده است، می‌پردازیم:

۱. قرآن



۱. محمد باقر، مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۴۱.

قرآن آخرین و کامل‌ترین کتاب آسمانی است که گنجینه‌ی حقایق و اسرار الهی می‌باشد. قرآن بهار دل‌های خزان و طراوت اندیشه‌های پژمرده است. به فرموده‌ی امام رضا علیه السلام قرآن ریسمان محکم الهی و وسیله‌ی اطمینان‌بخش و راه مستقیم اوست؛ راهی که به بهشت منتهی می‌شود و سبب رهایی از آتش دوزخ است، با گذشت زمان، کهنه نمی‌شود و بحث و گفت‌وگو درباره‌ی آن، سبب کاستی آن نمی‌گردد، زیرا به زمان معینی اختصاص ندارد.^۱

فضیلت قرآن به قدری است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «حسد شایسته نیست، مگر در دو مورد و یکی هم شخصی می‌باشد که قرآن را آموخته است و شب و روز به قرائت آن اهتمام دارد».^۲ حسدی که مذموم است، اگر به قرائت قرآن تعلق گیرد، ممدوح می‌شود. این فضیلت، اگر همراه با قرائت از روی مصحف شریف باشد، بالاترین عبادت‌ها به شمار می‌رود.^۳ هیچ چیز برای شیطان سخت‌تر از قرائت از روی قرآن نیست^۴ و باعث تخفیف گناهان والدین می‌شود، حتی اگر کافر باشند.^۵

معصومان علیهم السلام بسیار به قرآن اهتمام می‌ورزیدند، همگان را دعوت به آموزش و قرائت و عمل به قرآن می‌کردند و می‌فرمودند: «برای خانه‌هایتان بهره‌ای از قرآن قرار دهید».^۶ حتی به تک‌تک افراد، با هر شغل و موقعیت، سفارش می‌نمودند که از قرآن بهره گیرند؛ برای نمونه، امام صادق علیه السلام فرمودند: «چه چیزی مانع می‌شود از این که تاجری که در محل کسبش مشغول کار است، زمانی که به خانه‌اش بازگشت، نخوابد، مگر این که سوره‌ای از قرآن بخواند که در برابر هر آیه ده حسنه به او داده و ده گناه محو می‌شود».^۷ معصومان علیهم السلام بر به آموزش قرآن به فرزندان هم عنایت ویژه‌ای داشتند، تا جایی که یکی از حقوق فرزندان بر پدر و مادر برشمرده شده است.^۸ در این جا، برخی

روایات در این زمینه بیان می‌شود:

۱. محمد بن یعقوب، کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۲۵.
۲. محمدباقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۴، همان.
۳. همان، ج ۸۹، ص ۹۸.
۴. همان، ص ۲۰۲.
۵. همان، ص ۲۰۱.
۶. شیخ صدوق، ثواب‌الاعمال، ص ۹۳.
۷. کلینی، همان، ج ۲، ص ۶۱۱.
۸. المتقی الهندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۹۹.



۱-۱. تربیت فرزند بر قرائت قرآن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «فرزندانتان را در سه ویژگی تربیت کنید: محبت به پیامبرتان و اهل بیتش و قرائت قرآن که همانا حاملان قرآن در زیر سایه‌ی خداوند با انبیا و اصفیا هستند، در روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه‌ی الهی نیست.»^۱ رعایت این سه ویژگی در تربیت فرزند بسیار مورد توجه معصومان علیهم السلام بوده است. آموزش قرآن، که یکی از این ویژگی‌ها می‌باشد، مورد توجه بسیار قرار گرفته است و در جایی که پدر «فرزدق» پس از جنگ جمل، در بصره به حضور امام علی علیه السلام رسید و به حضرت علیه السلام عرض کرد: «فرزندم از شعرای مضر است؛ به شعرهایش گوش بفرمایید». امام علی علیه السلام فرمودند: «به او قرآن تعلیم ده». این سخن در روح فرزدق مؤثر افتاد و در زمانی مناسب، ریسمانی به پای خود بست و با خود عهد کرد تا قرآن را حفظ نکرده است، هرگز آن را باز نکند. ابن ابی‌الحدید می‌گوید وی تا قرآن را حفظ نکرده بود، پای خود را باز نکرد.^۲

۱-۲. ایجاد انس با قرآن

ائمه‌ی معصوم علیهم السلام تنها به قرائت قرآن به کودکان اکتفا نمی‌کردند، بلکه کودکان را به قرائت قرآن و ادا نیز می‌نمودند تا کودکان با قرآن انس بگیرند و به آن عادت کنند. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «پدرم ما را جمع می‌کردند و دستور می‌دادند تا طلوع آفتاب ذکر بگوییم و دستور می‌دادند هر کس می‌تواند، قرآن بخواند و آن که نمی‌تواند ذکر بگوید. هیچ‌گاه، سخت‌گیری نمی‌کردند و اجازه می‌دادند برخی آداب قرائت را رعایت نکنیم».^۳ «محمد بن فضیل» می‌گوید: «از امام علیه السلام پرسیدم وقتی قرآن می‌خوانم و نیاز به تخری پیدا می‌کنم و پس از بول تظہیر کرده، دستم را می‌شویم و سپس برمی‌گردم تا قرآن بخوانم؛ آیا بخوانم؟» حضرت علیه السلام فرمودند: «نه، نخوان تا این که وضو بگیری».^۴ با این حال، در جایی دیگر، که یکی از فرزندانش به نام اسماعیل

۳. همان، ص ۴۵۶.

۲. محمدجواد، طیبی، همان، ص ۲۲۸.

۳. کلینی، همان، ج ۲، ص ۴۹۸.

۴. حمیری قمی، غرب‌الاسناد، ص ۳۹۵.



همراهش بود، به او فرمودند قرآن را بخوان، هنگامی که اسماعیل می‌گوید وضو ندارم، حضرت علیه السلام فرمودند: «دست به خط قرآن نزن؛ فقط ورق را لمس کن و بخوان».^۱ با در نظر گرفتن این دو روایت، می‌بایم که حضرت علیه السلام در آدابی که برای قرائت قرآن وجود دارد، برای کودکان سهولتی قرار دادند تا کودکان راحت‌تر با قرآن انس برقرار کنند.

۳-۱. آموزش قرآن؛ نخستین گام تربیتی

امیرمؤمنان علیه السلام در نامه‌ی معروف خود به امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «و این که نخست تو را کتاب خدا و تأویلش بیاموزم و شریعت اسلام و احکام حلال و حرامش را و به چیز دیگر نپردازم».^۲ این کلام شیوا نیز نشان‌دهنده‌ی اهمیت آموزش قرآن است که پیش از دیگر مواد آموزشی، که در تربیت فرزند لازم است، باید به آموزش قرآن پرداخت.

۴-۱. پاداش آموزش قرآن به فرزند

در مورد پاداش اهتمام به آموزش قرآن به فرزند، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «هر کس فرزند خود را قرآن بیاموزد، مانند آن است که ده‌هزار بار به خانه‌ی خدا مشرف شده و ده‌هزار بار عمره به جای آورده و ده‌هزار بنده از فرزندان اسماعیل آزاد کرده و ده‌هزار بار به جهاد رفته و ده‌هزار گرسنه را سیر و برهنه را پوشانده است»^۳ و نیز می‌فرماید: «نامه‌ی عملش را در قیامت سنگین و از پل صراط همانند برق جهنده عبور کند»^۴ و «خداوند پدر و مادر کودک را در قیامت تاج پادشاهی عطا کند و دو لباس بهشتی به آنان بپوشاند که هرگز مردم مانند آن را ندیده باشند»^۵ و «خداوند حلقه‌ی افتخاری به گردن او آویزد که باعث حیرت اولین و آخرین شود».^۶

۱. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۸۳.

۲. نهج البلاغه، نامه‌ی ۳۱.

۳. میرزا حسین، نوری، همان، ج ۱، ص ۲۹۰.

۴. همان.

۵. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۲۵.

۶. کتاب العیال، ج ۱، ص ۴۷۸.



۲. ذکر و دعا

در متون اسلامی بر دعا و ذکر بسیار تأکید شده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «بگو پرورگارم به شما توجهی ندارد، اگر او را نخوانید»^۱.

اصل دعا، خواستن است. همین که انسان خدا را خواند و دعا کرد، بخشی از دعای او مستجاب شده است. دعا در بیان نورانی امام صادق علیه السلام گونه‌ای از عبادت و نوعی از انواع عبادت معرفی شده است^۲ که عبادت هم هدف از خلقت انسان و حتی دعا همان عبادت است.^۳ وجود دعاهای کثیر مآثور از ائمه علیهم السلام نشانه‌ی اهتمام آنان به آموزش دعاست. حتی آداب دعا را هم برای کامل و صحیح بودن دعا آموزش می‌دادند. امام صادق علیه السلام فرمودند: «ادب دعا نمودن را حفظ و توجه کن که چه کسی را چگونه می‌خوانی و عظمت و کبریایی خداوند را در خودت ایجاد کن و یقین قلبی داشته باش که او از درون تو آگاه است و هر چه از حق و باطل در نهان توست، می‌داند و راه‌های نجات و هلاک خود را بشناس».^۴ هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله شخصی را دیدند که وارد مسجد شد و پیش از ثنای الهی و صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله شروع به دعا کرد، فرمودند: «بنده‌ی خدا عجله کرد برای درخواستش از خدا» و وقتی شخص دیگری را دیدند که پس از ورود به مسجد، حمد و ثنای الهی را نمود و صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد، به او فرمودند: «هر چه می‌خواهی، بخواه و دعا کن»^۵ [که مستجاب می‌شود]. گویا کسی که به نزد شخصی رفته است و از او درخواستی دارد، آن شخص می‌پسندد که پیش از طلب حاجت، سخن خوبی به او بگوید.

ذکر، به فرموده‌ی امام علی علیه السلام، باعث آبادانی دل و جان می‌شود^۶ و پیامبر صلی الله علیه و آله هم ظاهراً از میان اذکار، به استغفار بسیار توجه می‌نمودند، زیرا برترین آنها می‌باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله این ذکر را بسیار تکرار می‌کردند و هر روز هفتاد مرتبه «استغفرالله» و هفتاد

۱. فرقان/ ۷۷

۲. شیخ باقر، شریف القرشی، الصحیفة الصادقیة، ص ۱۹.

۳. همان.

۴. همان، ص ۲۶.

۵. کلینی، همان، ج ۲، ص ۴۸۵.

۶. محمد، محمدی ری شهری، میزان الحکمه، جلد ۳، ص ۲۶۱۵.



مرتبه «اتوب الي الله» می‌گفتند.^۱ زبان به ذکر الهی گشودن، اهتمام به آن داشتن و تکرار نمودن آن، پدید آمدن لسان ذکر را موجب می‌شود که موهبت عظیم خداوند است؛ به فرموده‌ی پیامبر اکرم ﷺ، کسی که لسان ذاکر دارد، خیر دنیا و آخرت به او داده شده است.^۲

عنایت ویژه‌ی معصومان عليهم السلام به دعا و ذکر خداوند باعث می‌شد که افراد دیگر را هم به دعا و ذکر دعوت نمایند و حتی کودکان و فرزندان را نیز متوجه این فضیلت بزرگ کنند.

امامان معصوم عليهم السلام، علاوه بر آموزش، فرزندان را امر می‌نمودند تا ذکر بگویند؛ امام صادق عليه السلام می‌فرمودند: «پدرم ما را جمع و امر می‌کردند که ذکر خدا بگوییم تا خورشید طلوع نماید».^۳

نمونه‌هایی از سیره‌ی معصومان عليهم السلام را دربارهی آموزش ذکر و دعا به کودکان یادآوری می‌نماییم:

۱-۲. آموزش دعا به فرزند هنگام خواب

«معاویه بن وهب» گوید: «شبی، یکی از فرزندان امام صادق عليه السلام، هنگام خواب، نزد پدر آمد و عرض کرد: «می‌خواهم بخوابم». حضرت عليه السلام به وی فرمودند: «بگو اشهد ان لا اله الا الله و ان محمداً عبده و رسوله و اعوذ بعظمة الله و اعوذ بعزة الله و اعوذ بقدرة الله و اعوذ بجلال الله و اعوذ بسلطان الله ان الله علي كل شيء قدير و اعوذ بعفو الله و اعوذ بغفران الله و اعوذ برحمة الله من شر السامة والهامة و من شر كل دابة صغيرة او كبيرة بليل او نهار و من شر فسقة الجن والانس و من شر فسقة العرب والعجم و من شر صواعق و البرد اللهم صل علي محمد عبدك و رسولك؛ شهادت می‌دهم که خدا یکی است و محمد صلى الله عليه وسلم بنده و فرستاده‌ی اوست و پناه می‌برم به عظمت خداوند و پناه می‌برم به عزت خداوند و پناه می‌برم به قدرت خداوند و پناه می‌برم به جلال خداوند و پناه می‌برم به سلطنت خداوند که خداوند بر هر چیزی تواناست و پناه می‌برم به گذشت خداوند و پناه می‌برم به بخشایش خداوند و پناه می‌برم به رحمت خداوند از

۱. همان

۲. همان، ص ۴۹۹.

۳. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۹۹، آل‌البيت.



شر سختی‌ها و حشرات و از شر هر جنبنده‌ی کوچک یا بزرگی که در شب یا روز باشد و از شر جن و انسان فاسق و از شر عرب و غیر عرب فاسق و از شر صاعقه‌ها و سرما. خدایا صلوات بفرست بر محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بندهات و فرستادهات»^۱.

۲-۳. نخستین ذکر در کلام کودک

در فرمایش معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام وارد شده است که نخستین کلامی که به دهان فرزند می‌گذارید، پیش از شعر و سخن‌های دیگر، ذکر باشد؛ «ابن عباس» از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت می‌کند: «نخستین کلمه‌ای که زبان کودک را با آن باز می‌کنید، لا اله الا الله باشد»^۲.

۲-۴. آموزش تسبیح حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام

همه‌ی اعمال صالح بالا بردن درجه‌ی انسان نزد خداوند می‌شوند، ولی بعضی از اعمال باعث ترفیع بیش‌تری شده، زودتر به مقصد می‌رساند؛ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «آیا شما را خبر ندهم به بهترین اعمال از نظر بالا برنده‌تر و پاک‌تر و بهتر از دینار و درهم بودن؟» سپس فرمودند «ذکر کثیر خداوند»^۳. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام مصداق ذکر کثیر را تسبیح حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام معرفی می‌کنند و می‌فرمایند: «ذکر کثیری که خداوند در قرآن اشاره می‌کند، تسبیح حضرت زهراست»^۴. درباره‌ی ثواب این تسبیح، «سکونی» از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت می‌کند که فرمود: «تسبیح، نصف ترازوی اعمال را پر می‌کند، الحمدلله، کل ترازوی اعمال را و الله اکبر به اندازه‌ی فاصله‌ی آسمان و زمین ثواب نصیب انسان می‌نماید»^۵. تسبیح حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام از مستحبات سفارش شده می‌باشد و آموزش آن به فرزندان توصیه شده است. «ابوهارون مکفوف» از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌کند که فرمودند: «ای اباهارون، ما کودکانمان را به تسبیح حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام امر می‌کنیم، همان گونه که آنها را به نماز امر می‌نماییم. پس تو هم به تسبیح حضرت

۱. میرزا حسین، نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۵، ص ۴۲.
۲. المتقی الهندی، کنز العمال، ص ۴۴۱، همان.
۳. کلینی، همان، ج ۲، ص ۵۰۶.
۴. همان، ص ۵۰۰.
۵. همان، ص ۵۰۶.

زهرا علیها السلام مداومت کن، زیرا بندهای که پیوسته این تسبیح را بگویند، هرگز گمراه و سیه‌رو نمی‌گردند.^۱

۳. صدقه دادن

صدقه از امور مستحبی می‌باشد که بسیار مورد تأکید واقع شده است و بهترین مال شخص و بهترین اندوخته‌های فرد به شمار می‌رود.^۲ صدقه از امور مالی و اجتماعی می‌باشد که در اسلام مطرح شده و نشان‌دهنده‌ی توجه همه‌جانبه‌ی اسلام به ابعاد زندگی انسان است. صدقه علاوه بر این که در حالت توانگری لازم می‌باشد، در حالت فقر و تنگ‌دستی هم سفارش شده که معامله با خداوند است. یکی از نشانه‌های پنجگانه‌ی مؤمن، صدقه در تنگ‌دستی و فقر است.^۳ صدقه حقی نیز بر صدقه‌دهنده دارد که باید توجه داشته باشد که ذخیره‌ی شخص نزد خداوند است.^۴ گاهی صدقه جایگزین بعضی از اعمال واجب مانند کفاره‌ی قسم یا اعمال مستحب مانند روزه‌ی ماه رجب می‌شود که حتی باعث درک ثواب بیش‌تر از روزه می‌باشد.^۵

این عمل مستحب، به دلیل آثار و پاداشی که برای آن در نظر گرفته شده است، مورد سفارش ائمه علیهم السلام بوده است و بیان می‌داشتند همان‌گونه که نماز و روزه به کودکان تمرین داده می‌شود، والدین از تمرین صدقه غافل نشوند و آن را همچون عمل واجب، به کودکان آموزش دهند. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «بچه‌ها را به صدقه دادن وادار کنید و تمرین دهید، گرچه با تکه‌ای نان باشد». ^۶ صدقه دادن برای انسان به قدری مفید است که حتی امام علیه السلام سفارش به وادار کردن می‌نمایند، یعنی به گونه‌ای نباشد احساس کنید که انجام دادن یا ندادن آن فرق چندان با هم ندارد.

سفارش دیگری که حضرت علیه السلام در نحوه‌ی صدقه پرداختن کودکان می‌نماید، این است که می‌فرماید: «تمرین دهید که بچه‌ها با دست خویش صدقه دهند، هر چند

۱. شیخ صدوق، امالی، ص ۶۷۵.

۲. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۶۶.

۳. شیخ صدوق، خصال، ص ۲۶۹، قم.

۴. همان، ص ۵۶۶.

۵. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۶۶.

۶. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۷۶.



اندک باشد، زیرا اگر نیت پاکی در شیء کم باشد، بزرگ می‌شود.^۱ در این کلام گهربار، حضرت علیه السلام به سفارش زبانی برای صدقه دادن اکتفا نمی‌کنند و می‌فرمایند بچه‌ها با دست خودشان پرداخت کنند، نه این که پدر و مادر از جانب آنان بپردازند، زیرا این گونه صدقه دادن مؤثرتر خواهد بود.

احیای شب قدر

«قاضی نعمان مصری» در دعائم‌الاسلام روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در دهه‌ی آخر ماه رمضان رختخواب خود را جمع می‌کردند و کمر خود را برای عبادت محکم می‌بستند و در شب بیست‌وسوم، خانواده‌ی خود را بیدار می‌کردند و آب به صورت کسانی می‌پاشیدند که خواب آنان را ربوده بود.^۲ حضرت زهرا علیها السلام نیز نمی‌گذاشتند در این شب کسی از اهل خانه بخوابد و خواب کودکان خود را با دادن غذایی اندک کوتاه می‌ساختند و آنها را برای احیای آن شب، از روز آماده می‌کردند، یعنی امر می‌فرمودند که روز بخوابند و استراحت کنند تا بتوانند شب را بیدار بمانند و می‌فرمودند: «محروم کسی است که از خیر امشب محروم بماند».^۳

احیای شب عید فطر

امام سجاد علیه السلام با گوشزد کردن فضیلت شب عید فطر، که کم‌تر از فضیلت شب قدر نیست، فرزندان را به احیای آن شب بامعنویت تشویق می‌نمودند. «سیدبن طاووس» از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «امام سجاد علیه السلام شب عید فطر در مسجد می‌ماندند و با خواندن نماز، تا صبح شب زنده‌داری می‌کردند و به فرزندان خود می‌فرمودند: «فرزندانم، فضیلت امشب کم‌تر از شب قدر نیست».^۴

احیای شب نیمه‌ی شعبان

۱. همان.
۲. قاضی نعمان، مغربی، دعائم‌الاسلام، ج ۱، ص ۲۸۲.
۳. محمدجواد، طبسی، همان، ص ۲۴۰.
۴. سید بن طاووس، اقبال‌الاعمال، ص ۴۶۴.



امام زین‌العابدین علیه السلام در شب نیمه‌ی شعبان با فرزندان‌شان استغفار و دعای دسته‌جمعی می‌کردند و تا سپیده‌دم عملاً احیای آن شب را به آنها آموزش می‌دادند. زید بن علی می‌گوید: «پدرم، علی بن‌الحسین علیه السلام همه‌ی ما را در شب نیمه‌ی شعبان جمع و آن شب را به سه بخش تقسیم می‌کردند. در بخش اول شب، برای ما نماز می‌خواندند. آن گاه دعا می‌فرمودند و ما آمین می‌گفتیم. سپس استغفار می‌فرمودند و ما هم استغفار می‌کردیم و از خداوند بهشت می‌خواستیم تا این که سپیده‌دم طلوع می‌کرد»^۱.

نتیجه‌گیری

از مجموع سیره‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت‌شان علیهم السلام درباره‌ی آموزش عبادات به فرزندان، فهمیده می‌شود که از میان واجبات، به نماز و روزه‌ی فرزندان اهمیت زیادی داده شده است. در میان مستحبات آموزش قرآن، به سبب تأثیرات عمیقی که در شکل‌گیری شخصیت نوباوگان دارد، از اهمیت زیادی برخوردار است و برای دعا، ذکر و صدقه‌ی فرزندان هم روایاتی وجود دارد. علاوه بر اینها، مستحبات دیگر هم مانند احیای شب‌های قدر، عید فطر و نیمه‌ی شعبان برای آموزش فرزندان مورد توجه بوده که هر کدام، با توجه به توانایی فرزندان و بیش‌تر با روش ایجاد عادت در آنها، صورت می‌گرفته است.

منابع:

۱. حرعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۵، ص ۲۴۱.

۱. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۴، چاپ اول، (بیروت، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ق).
۲. داوودی، محمد، تربیت دینی، ص ۱۰۶، چاپ چهارم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ش.
۳. سیف، علی‌اکبر، روان‌شناسی پرورشی، ص ۳۰، انتشارات آگاه، ۱۳۸۰ش.
۴. حسینی‌زاده، سیدعلی، تربیت فرزند، ص ۹، چاپ ششم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶ش.
۵. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۷۲۱، چاپ پنجم.
۶. شیخ طوسی، امالی، ص ۸، چاپ اول، قم، دارالثقافه، للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
۷. رحمانی همدانی، احمد، الامام علی بن ابی‌طالب، ص ۲۳، قم، منیر، ۱۳۷۷ش.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۴، ص ۱۲۵، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۹. شیخ صدوق، ثواب الاعمال، ص ۹۳، چاپ دوم، قم، شریف رضی، ۱۳۶۸ش.
۱۰. المتقی الهندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۹۹، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹م.
۱۱. حمیری قمی، غرب الاسناد، ص ۳۹۵، چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۳.
۱۲. ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، جلد ۳، ص ۲۶۱۵، چاپ اول، قم، دارالحدیث.
۱۳. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۶۶، بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۴۰۴ق.
۱۴. شیخ صدوق، امالی، ص ۶۷۵، چاپ اول، قم، مؤسسه بعثت، ۱۴۱۷ق.
۱۵. مغربی، قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۸۲، قاهره، دارالمعارف، ۱۳۸۳ش.
۱۶. سید بن طاووس، اقبال الاعمال، ص ۴۶۴، چاپ اول، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۴ق.

معنا و معنویت از دیدگاه روان‌شناسان

هاجر بهرامی دشتکی^۱

چکیده

۱. کارشناس ارشد مشاوره.

